



## بررسی و نقد هفت تصحیح غزلیات حافظ\*

سعید لیان

نقدهایی که بر اساس مقایسه تصحیحات متعدّد متون نوشته می شوند معمولاً شامل دو بخش اند: بخشی کوتاه‌تر درباره شیوه کار مصحح و مسائل کلی کار او، و بخشی بلندتر و گاه بسیار طولانی در نقد ضبط‌هایی عموماً محلّ اختلاف. در مقاله حاضر، اساساً بحث بر سر ضبط‌ها نیست و آن محدود شده است به چند موردی، آن هم بیشتر از جهت ذکر نمونه و مثالی برای روش تصحیح. کوشیده‌ام بیشتر به روش و معیارهای مصححان پردازم و اینکه تا چه حد به این معیارها پای بند بوده‌اند؛ زیرا، بیشتر ملاک‌ها در تصحیحات مشترک بوده اما حاصل بس متفاوت از کار درآمده است.

۱. معرفی تصحیح‌ها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
در این مقاله، تصحیحات قزوینی، خانلری، سایه، عیوضی، جلالی نائینی و نورانی وصال، و نیساری (سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷) بررسی و از چند جهت مقایسه شده‌اند که ابتدا به معرفی آنها می‌پردازم.

\* نگارش این مقاله از سال ۱۳۸۱ آغاز شد. در جریان تکمیل و ویرایش آن، دوستان گرامی - بانوان فریبا قطره و ندا گرکانی و آقایان ابوالفضل خطیبی و اردوان امیری نژاد - آن را خواندند و نکات بسیاری را گوشزد کردند. بدین وسیله از این عزیزان تشکر می‌کنم. هم‌چنین استاد ارجمند جناب آقای ابوالحسن نجفی نکات بسیار مهمی را متذکر شدند که در اصلاح مقاله بس مفید افتاد. سپاسگزار لطف ایشانم.

### تصحیح قزوینی

این تصحیح در سال ۱۳۲۰ به چاپ رسید. در تصحیح غزلیات، از چهار نسخه، یکی مورخ ۸۲۷ (نسخه خلخال) و سه تای دیگر بدون تاریخ کتابت، استفاده شده است. از نسخه‌های بدون تاریخ احتمالاً یکی به پیش از سال ۸۵۰ و یکی دیگر به اواخر قرن نهم یا اوایل قرن دهم تعلق دارد. مصحح از باقی نسخ به طور مشورتی یا در تصحیح مقدمه جامع دیوان حافظ (محمد گلندام) و قصاید بهره جسته است.

در زمان تصحیح قزوینی (سال ۱۳۲۰) نسخه کاملی کهن‌تر از نسخه ۸۲۷ شناخته نشده بود و تا سال ۱۳۴۹ نیز از چنین نسخه‌ای خبر نبود<sup>۱</sup> ولی امروزه چندین نسخه قدیم‌تر از آن شناخته شده است.<sup>۲</sup>

در همان زمان تصحیح قزوینی، نسخه مورخ ۸۲۷ یگانه نسخه تاریخ‌دار و معتبر نبوده است. برخی از نسخ معتبر دیوان حافظ در کتابخانه‌های اروپایی فهرست شده بودند و قزوینی از وجود آنها اطلاع داشت؛ اما ظاهراً، در سال‌های جنگ جهانی دوم، استفاده از آنها برای وی مقدور نبوده است. از جمله آنهاست نسخه‌های مورخ ۸۴۳، ۸۵۳، ۸۵۵ و ۸۵۷. (قزوینی ۱۳۷۴، ص ۱۰۶-۱۰۷)

باری، قزوینی به نسخی که در تهران به آنها دسترسی داشته اکتفا کرده، اما معلوم نیست چرا با آنکه از وجود دو نسخه مورخ ۸۵۴ و ۸۵۸ کتابخانه مجلس خبر داشته، از آنها استفاده نکرده است.

قزوینی درباره روش تصحیح خود گفته است که از حیث شمار غزل‌ها و شمار ابیات هر غزل (نه به لحاظ ضبط کلمات و عبارات)، «از ابتدا تا انتهای کتاب فقط و منحصرأ ملتزم و مقید به نسخه مورخ ۸۲۷ بوده است (قزوینی ۱۳۷۴، ص ۱۰۰ نیز ص ۱۰۸). نیساری بر آن است که

(۱) سعید نفیسی، در سال ۱۳۳۷، ضمن تشکیک در تاریخ ۸۲۷ نسخه خلخال، دو نسخه ۸۱۸ (هند) و ۸۲۱ (مهدوی) را معرفی کرده بود.

(۲) در تصحیح سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ نیساری، دوازده نسخه قدیم‌تر از نسخه مورخ ۸۲۷ معرفی شده که شش نسخه آن تقریباً کامل است.

(۳) در تصحیح‌های نیساری از نسخه مورخ ۸۵۳ استفاده نشده است.

قزوینی، در ضبط اشعار نیز نسخه ۸۲۷ را ملاک قرار داده، در «موارد بسیار قلیلی» به اختلاف نسخ دیگر با نسخه مورخ ۸۲۷ اشاره کرده است. از توضیح خود قزوینی نیز برمی آید که وی قصد داشته فقط «اغلاط بسیار فاحش واضح» این نسخه را اصلاح کند (همان، ص ۱۰۸؛ نیز ص ۱۱۳ و ۱۱۴) و، بدین قرار ظاهراً ضبط‌های نسخه ۸۲۷ می‌بایست در تصحیح او تقریباً دست نخورده مانده باشد. اما بررسی نیساری نشان داده است که «ضبط غزل‌ها با متن اصلی [نسخه خلخالی] در دو بیست و هشتاد و پنج مورد مغایرت دارد و، از آن مقدار، در دو بیست و یازده مورد (غیر از غلط‌های چاپی) به ضبط اصلی نسخه خطی اشاره شده است، و ضمناً سی و یک بیت از منابع دیگر بر محتوای غزل‌ها افزوده شده است». (نیساری ۱۳۶۷، ص ۱۴۱)

بنابراین، تصحیح قزوینی را باید تصحیحی «تک‌نسخه‌ای» شمرد<sup>۴</sup>. باید پذیرفت که اعتبار تصحیح قزوینی بیشتر از جهت انس و الفت خوانندگان با آن و عادت آنها به ضبط‌های این تصحیح است. (در این باره - نجفی ۱۳۶۰، ص ۳۰ و ۳۱؛ نیساری ۱۳۶۷، ص ۹۵) ۵

#### تصحیح خانلری

این تصحیح در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید. در آن، از چهارده نسخه قدیم استفاده شده که قدیم‌ترین آنها مورخ ۸۰۷ و جدیدترین آنها نسخه‌ای است که در فاصله سال‌های ۸۱۷-۸۳۸ کتابت شده است. در این میان، یک نسخه بی‌تاریخ هم هست.

روش تصحیح خانلری التقاطی بوده است<sup>۶</sup> البته با توجه به ضبط اغلب نسخ یا ضبط نسخه‌های قدیم‌تر. یکی از مزایای این تصحیح اشتغال آن است بر بخشی با عنوان «بعضی از لغات و تعبیرات» در نود و یک صفحه، حاوی «بعضی از معانی کلمات... که اکنون متروک شده و از ذهن دور مانده است» (خانلری ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۵). اهمیت این بخش بیشتر از آن جهت

۴) برخی صاحب‌نظران در اعتبار نسخه مورخ ۸۲۷ مبالغه کرده‌اند، در حالی که خود قزوینی چنین نظری نداشت. (قزوینی ۱۳۷۴، ص ۱۰۸؛ نیز ص ۱۳۴)

۵) در باب تأثیر انس و عادت در تصحیح متون (خانلری ۱۳۵۶، ص ۴۴۹ و ۴۵۰؛ نیز خانلری ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۰۲، مدخل «صاعقه سحاب یا صاعقه شراب»). محمّدامین ریاحی نیز خاطره جالب و هشیارکننده‌ای از تأثیر انس و عادت نقل کرده است (ریاحی ۱۳۷۴، ص ۸۳ و ۸۴).

۶) به این معنی که از ضبط چند نسخه صورتی که، به نظر مصحح، مطمئن‌تر آمده اختیار شده است. در باب ضرورت تصحیح التقاطی دیوان حافظ - توضیح عیوضی، ذیل معرفی تصحیح او.

است که گاه برخی دلایل در ترجیح ضبطی بر ضبطی دیگر و نیز نکاتی انتقادی در تصحیح اشعار حافظ را در بر دارد.

به تصحیح خانلری دو اشکال وارد به نظر می‌رسد: یکی آنکه از نسخه مورخ ۸۲۷ به واسطه تصحیح قزوینی استفاده کرده (خانلری ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۳۵)، در نتیجه ضبط‌هایی که به نسخه ۸۲۷ تعلق ندارد و نیز اشکالات تصحیح قزوینی وارد نسخه‌بدل‌ها یا متن مصحح او شده است.<sup>۷</sup>

اشکال دیگر تصحیح خانلری کم‌دقتی در ثبت نسخه‌بدل‌هاست. محض نمونه، رحیم ذوالنور، در چاپ جدید تصحیح قزوینی، آن را با تصحیح خانلری مقابله و اختلافات آن دو را ذکر کرده است. وی، در ضمن این کار، پی برده است که در حافظ خانلری سی و شش فقره از ناهم‌سانی‌های نسخه «ل» (یعنی تصحیح قزوینی) از قلم افتاده است (← قزوینی، ص ۹). ظاهراً دلیل این امر آن است که «امر مقابله نسخه‌های عکسی و پاک‌نویس متن به وسیله کارمندان فرهنگستان ادب و هنر انجام گرفته است و مصحح، با اعتماد به دقت و موشکافی متصدیان مزبور، ظاهراً اقدام به مقابله ضبط نسخه‌های خطی را با متن منتخب و قسمت نسخه‌بدل‌ها ضروری ندانسته است». (نیساری ۱۳۶۷، ص ۱۸۸ و ۱۸۹)<sup>۸</sup>

با همه این اوصاف، تصحیح خانلری به لحاظ متن، از بهترین چاپ‌های دیوان حافظ به نظر می‌رسد و در مقابله چهل و نه غزل حافظ در تصحیحات، که شرح آن در بخش «مقایسه متن تصحیح‌ها» آمده، ضبط‌های آن تقریباً مقبول‌تر از ضبط تصحیحات دیگر سنجیده می‌شود.<sup>۹</sup>

۷) برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنم: در «نوبه زهد فروشان گران‌جان بگذشت» (قزوینی، غزل ۲۰؛ خانلری ۱۳۷۵، غزل ۲۵) که ضبط نسخه مورخ ۸۲۷ «توبه» است (← خلخالی، ص ۵۷)؛ «به شاه‌راه حقیقت گذر توانی کرد» (قزوینی، غزل ۱۴۳؛ خانلری ۱۳۷۵، غزل ۱۳۷) که در نسخه مورخ ۸۲۷ این مصراع نیامده و به جای آن اشتهاً مصراع دوم بیت قبلی تکرار شده است (← خلخالی، ص ۹۱). ضبط سایر نسخه‌ها «شاه‌راه طریقت» است و خانلری ضبط «حقیقت» را از تصحیح قزوینی اخذ کرده است (به نقل از نیساری ۷۷، ص ۳۳ و ۳۴).

۸) برای نمونه‌های دیگری از کم‌دقتی در ثبت نسخه‌بدل‌ها ← قزوینی، ص ۹-۱۳؛ نیساری ۱۳۶۷، ص ۱۷۷ و ۱۷۸، نیز ۱۸۰-۱۸۴؛ سایه، ص ۴۶؛ نیساری ۱۳۷۳، ص ۱۳ (پانویس ۱)؛ نیساری ۱۳۷۷، ص ۱۹ (پانویس ۴) و ص ۳۵ (پانویس ۱۵).

۹) پس از چاپ اول تصحیح خانلری، برخی از صاحب‌نظران آن را بهترین تصحیح دیوان حافظ تا آن

### تصحیح سایه (هوشنگ ابتهاج)

این تصحیح ابتدا در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید و بارها تجدید چاپ شد که نشان از اقبال خوانندگان دارد. در آن، از سی و یک نسخه استفاده شده است که بیست و دو نسخه از نیمه اول قرن نهم (از ۸۰۷ تا ۸۴۹، با سه نسخه بی تاریخ) شمرده شده و به عنوان نسخ اصلی اختیار شده‌اند. تصحیح قزوینی (چاپ ۱۳۲۰) نیز در همین دسته منظور شده است. مصحح، از هشت نسخه متعلق به نیمه دوم قرن نهم (از ۸۵۴ تا ۸۹۳)، همچنین از حافظ قدسی به حیث نسخه‌های مشورتی بهره جسته است.

تصحیح سایه تصحیح منقح و پاکیزه‌ای است اما خالی از اشکال نیست. یکی از این اشکالات درج‌گزینی نسخه‌بدل‌هاست<sup>۱۰</sup>. اشکال دیگر اعتماد بیش از حد او است به تصحیح قزوینی و، به تبع آن، به نسخه مورخ ۸۲۷. وی تصحیح قزوینی را در ردیف نسخ خطی قرار داده است (نسخه شماره ۱۱ او نسخه مورخ ۸۲۷ و نسخه شماره ۱۵ او تصحیح قزوینی است). سایه همین رویکرد را در مورد حافظ قدسی نشان داده و برخی از ضبیط‌های آن را وارد متن اشعار حافظ کرده است. او درباره تصحیح قزوینی می‌نویسد: «نسخه شماره ۱۵ ما همان نسخه شادروانان علامه قزوینی و دکتر غنی است. این نسخه، پس از گذشت پنجاه و چند سال، هنوز معتبرترین نسخه و مأخذ و مرجع نقل کلام حافظ است و اگر مبالغی سهو و خطاهای ناگزیر در آن رفع شود<sup>۱۱</sup>، همچنان یکی از بهترین نسخه‌های دیوان حافظ خواهد بود و، به گمان من، هر نسخه‌ای از دیوان حافظ که ساخته و پرداخته شود باید با این محک پراعتبار سنجیده شود. آمار

→ زمان شمردن از جمله ابوالحسن نجفی (نجفی، ص ۳۱ و ۳۹) (اما وی، در پاسخ سؤال نگارنده در آبان ماه سال ۱۳۸۳، اظهار داشت که اکنون تصحیح نیساری را بهترین تصحیح می‌داند)؛ زریاب خوبی در سال ۱۳۶۷ (← زریاب خوبی، ص ۱۵)؛ محمدامین ریاحی در سال ۱۳۶۷ (← ریاحی، ص ۴۳۵). ریاحی، در اضافات چاپ دوم گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، سخن از تصحیح نیساری (۱۳۷۱) به میان آورده و علی‌الظاهر آن را بر تصحیح خانلری ترجیح داده است.

۱۰ در اشاره به نحوه ذکر نسخه‌بدل‌ها، خانلری متذکر شده است: «نسخه‌بدل‌ها را تماماً ثبت کردیم و حتی آنها را که در نظر ما به کلی مردود بود از قلم نینداختیم، به گمان آن که شاید در نظر دیگری تا آن درجه نامقبول نباشد». (خانلری ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۳۹؛ نیزه نیساری ۱۳۸۵، ص ۱۴)

۱۱ به نظر می‌رسد هدف سایه از تهیه تصحیح جدید از دیوان حافظ رفع و اصلاح همین «سهو و خطاها» بوده باشد. در تصحیح جدید او، در بسیاری موارد، بیش از این در متن تصحیح قزوینی تصرف نشده است.

درصد استفاده از نسخه‌های مرجع، که در پایان بخش جدول مآخذ آمده است نیز میزان اهمیّت و اعتبار این نسخه را تأیید می‌کند»<sup>۱۲</sup>. (سایه، ص ۴۸ و ۴۹؛ تاریخ این مطلب ۱۳۷۲ است)

نظری به «آمار استفاده از نسخه‌ها در متن (غزل‌ها)» (همان، ص ۶۹۹) نشان می‌دهد که بالاترین درصد استفاده (۸۲/۶۲ درصد) از نسخه ۱۵ (تصحیح قزوینی) است و، پس از آن، از نسخه ۱۱ (مورخ ۸۲۷) با ۷۸/۸۶ درصد. نسخه بعدی، با اختلاف بسیار، نسخه ۳ (مورخ ۸۱۳) است با ۵۳/۹۹ درصد. این آمار نشان می‌دهد که تصحیح سایه چه اندازه به تصحیح قزوینی و نسخه ۸۲۷ نزدیک است. مقایسه چند غزل از تصحیح سایه با تصحیح قزوینی و دیگر تصحیحات همین نتیجه را تأیید کرده است. به نظر می‌رسد دلیل این امر مؤانست سایه با ضبط‌های تصحیح قزوینی باشد. (← محجوب، ص ۲۵۸)

اشکال دیگر یکی از معیارهای سایه در تصحیح است که خرّمشاهی از آن چنین یاد می‌کند: «اصل اصیل و کارگشا و راه‌گشای کار مصحح این بوده است که کلام هرچه صناعی‌تر و آراسته‌تر باشد، حافظانه‌تر یعنی صحیح‌تر است». (خرّمشاهی ۱۳۷۹ الف، ص ۲۸۰؛ نیز ← سایه، ص ۲۱ تا ۳۲) البته سخن هرچه آراسته‌تر باشد بیشتر احتمال دارد که سخن حافظ یا ویرایش نهائی او باشد اما به شرطی که دلایل دیگر، مثل ضبط اقدم یا اکثریت نسخ، صحّت انتساب آن را به حافظ تأیید کند. به نظر می‌رسد سایه چندان به ضبط اغلب و اقدم نسخ مقید نبوده است. برای مثال به این بیت در ضبط سایه توجه کنید:

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

از شانزده نسخه اساس سایه، در نه نسخه این بیت آمده و جملگی، به جای «دام و دانه»، «بند و دام» دارند؛ فقط نسخه ۲۸ سایه (مورخ ۸۷۴) بیت را به صورت بالا دارد.<sup>۱۳</sup>

۱۲) محمدجعفر محجوب درباره این سخن سایه نوشته است: «اظهار نظر سایه، که آمار درصد استفاده از نسخه‌های مرجع را مؤید اظهار نظر خویش می‌شمارد، در حقیقت نوعی مصادره به مطلوب است. سایه بدین نسخه - به حق - معتقد بوده، از آن بیشتر استفاده کرده، آنگاه میزان استفاده خود از آن را دلیل برتری نسخه دانسته است؛ و این درست نیست». (محجوب، ص ۲۵۷ و ۲۵۸؛ تأکید از من است)

۱۳) مورد دیگر آن است ضبط نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استاد (سایه، ص ۳۸۸). از ده نسخه‌ای در تصحیح وی که این بیت در آنها آمده، ضبط نه نسخه «دوست» است و فقط ضبط نسخه ۱۰ (مورخ ۸۲۵) «یار» است.

حافظ‌پژوهان نیز در شعر حافظ تصرّفات کرده‌اند که آن را زیباتر ساخته است<sup>۱۴</sup>، هرچند ضبطی را که زیباتر باشد الزاماً از حافظ چنین تغییراتی در نسخه‌های دیوان حافظ نیز پدید آمده است؛ اما با این توجیه که ضبط زیباتر اختیار شده، نباید آنها را وارد اشعار حافظ کرد.

### تصحیح عیوضی

این تصحیح در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید. تصحیح آن بر اساس هشت نسخه کامل قدیم (مورخ ۸۱۳ تا ۸۲۷) صورت گرفته و، ضمن تجدیدنظرهایی با استفاده از نسخه دیگری مورخ ۸۲۳، در سال ۱۳۸۵ چاپ دیگری از آن منتشر شده است<sup>۱۵</sup>.

مصحح روش التقاطی اختیار کرده و دلیل آن را نزدیک بودن زمان استنساخ نسخه‌ها و وابسته نبودن آنها به همدیگر ذکر کرده است. (عیوضی ۱۳۸۵، ص ۳۰-۳۱)

وی معیارهای تصحیح خود را به اجمال چنین بیان کرده است: «باید در محدوده منابع کهن، با توجه به اهمیت انکارناپذیر نسخ کهن‌تر و بها دادن به ضبط اکثریت نسخ، در صورت ضرورت به ملاک‌های نقد ادبی مبتنی بر خود دیوان و طرز تفکر و شیوه بیان حافظ تمسک جست» (همان، ص ۳۱). البته، در استفاده از ملاک‌های نقد ادبی، باید به آثار سایر سخنوران به‌ویژه هم‌عصران و هم‌سبکان حافظ نیز توجه داشت و عیوضی خود نیز به این نکته توجه داشته است.

عیوضی دلایل انتقادی خود را در انتخاب برخی ضبطها ذکر کرده است. در چاپ ۱۳۷۶، این دلایل در دو بیست و بیست و یک صفحه پایان کتاب آمده و، در چاپ ۱۳۸۴،

---

۱۴) برای دیدن برخی تصرّفات خود سایه در شعر حافظ ← سایه، ص ۳۶ تا ۳۸؛ نیز نمونه‌هایی از تصرّفات دیگران در ابیات زیر: «دریای اخضر فلک و کشتی هلال هستند غرق نعمت حاجی قوام ما»، تصرّف خرّمشاهی: «دریای ازرق فلک و زورق هلال» (خرّمشاهی ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳۵۳)؛ «زان می عشق کزو پخته شود هر خامی گرچه ماه رمضان است بیاور جامی»، تصرّف زریاب خویی: «زان می خام کز او پخته شود هر خامی» (زریاب خویی، ص ۴۱۶)؛ «بس دعای سحرّت مونس چنان خواهد بود تو که چون حافظ شب‌خیز غلامی داری»، تصرّف خرّمشاهی - هاشم جاوید (ص ۵۶۰ پانوش ۸)؛ «بس دعای سحرّت حافظ جان خواهد بود»؛ «رحم آر بر دل من کز مهر روی خویت شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی»، تصرّف ضیاء موحد: «رحم آر بر دل من کز مهر روی ماهت» (موحد، ص ۲)؛ «دی گفت طیب از سر حسرت چو مرا دید هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت»، تصرّف خرّمشاهی: «هیهات نجات تو ز قانون شفا رفت»، (موحد ۱۳۸۴، ص ۲)؛ «تو نازک‌طبعی و طاقت نیاری گرانسی‌های مستی دلق‌پوشان»، تصرّف نگارنده: «درشتی‌های مستی دلق‌پوشان».

۱۵) این تصحیح یک بار نیز در سال ۱۳۷۹ با نسخه بدل‌های گزینشی به چاپ رسید.

صورت مشروح تر آن، ذیل عنوان «حافظ برتر کدام است؟» در کتابی مستقل درج شده است.

مصحح فقط از نسخه‌های کامل بهره برده و از نسخه‌های ناقص دیوان استفاده نکرده و بر آن است که استفاده از نسخه‌های ناقص «جز گرانبار کردن حواشی حاصلی ندارد» (همان، ص ۲۴). با این حال، مواردی هم پیش آمده است که ضبط‌های نه نسخه کامل کارگشا نبوده‌اند و مصحح ناچار شده است در قریب بیست مورد از منابع دیگر استفاده کند و در هشت مورد، به تصحیح قیاسی متوسل گردد. (همان، ص ۴۹)

عیوضی از نسخه‌های مورخ ۸۱۸، ۸۲۱ و ۸۲۴ به واسطه منابع چاپی (عیوضی ۱۳۷۶، ص ۷۸) - از دو نسخه مورخ ۸۱۸ و ۸۲۱ به واسطه تصحیح خانلری (عیوضی ۱۳۸۵، صفحات ۴۹ و ۵۰) - و از نسخه ۸۲۴ معلوم نیست به کدام واسطه - استفاده کرده است. به طور کلی متن اشعار، در تصحیح عیوضی، مقبول و درخور اعتماد است اما نسخه بدل‌های آن چندان که باید دقیق نیست.

#### تصحیح جلالی نایینی و نورانی وصال

این تصحیح در سال ۱۳۷۲ چاپ شد. چاپ جدید آن با اندک تغییراتی در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است.<sup>۱۶</sup> در آن، از چهار نسخه اصلی (مورخ ۸۱۳-۸۲۷) استفاده و از بیست و یک نسخه یا چاپ دیگر «در توضیح نسخه بدل‌ها» بهره جویی شده است. مصححان اختلافات چهار نسخه اصلی را به صورت کامل آورده‌اند اما در مورد نسخ مشورتی ظاهراً گزینشی عمل کرده‌اند. نسخه بدل‌ها چندان دقیق نیستند، به ویژه در چاپ ۱۳۸۵ که بخش نسخه بدل‌ها بسیار آشفته است.

ضعف این تصحیح ناشی از کم بودن نسخه‌های اساس و تا حدی استفاده از روشی تقریباً انتقادی<sup>۱۷</sup> و نه تماماً التقاطی است. مصححان، در مقدمه، بیست و پنج نسخه خطی و چاپی دیوان حافظ را به عنوان منابع خود معرفی کرده‌اند؛ اما، به واقع، تنها از چهار تای آنها در تصحیح متن استفاده کرده‌اند.

۱۶) این تصحیح ظاهراً، با همان صفحه‌آرایی چاپ اول، به سال ۱۳۸۲ نیز در آبادان به چاپ رسیده است.

۱۷) مراد از روش انتقادی آن است که نسخه‌ای که مطمئن‌تر از دیگر نسخه‌ها تشخیص داده شده اساس اختیار گردد و اختلافات ذکر شود و، جز در مورد اغلاط فاحش از ضبط نسخه اساس عدول نشود.



آنان از چهار نسخه مورخ ۸۱۳ و ۸۲۴ و ۸۲۷ و ۸۲۲، دو نسخه مورخ ۸۱۳ و ۸۲۴ را اساس اختیار کرده‌اند و، هرگاه غزلی در این دو نسخه نیامده یا ضبط دو نسخه دیگر درست‌تر به نظرشان آمده و به طرز و سبک حافظ نزدیک‌تر می‌نمود، از آنها استفاده کرده‌اند. (← جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵، ص ۳۶)

متن تصحیح چندان هم سقیم نیست؛ زیرا چهار نسخه مبنای آن از کهن‌ترین و صحیح‌ترین نسخ دیوان حافظ‌اند و روش تصحیح «انتقادی-التقاطی» است و از بسیاری از عیوب روش انتقادی مبراست. مجموعاً می‌توان آن را از تصحیح‌های بسیاری بهتر دانست اما متأسفانه این تصحیح، ظاهراً به دلیل نوع تجلید و صفحه‌آرایی و مطرح نشدن، سخت مهجور افتاده و کمتر از شایستگی‌اش ارج دیده است.

#### تصحیح‌های چهارم و پنجم نیساری<sup>۱۸</sup>

تصحیح چهارم نیساری با عنوان دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید. این تصحیح بر اساس پنجاه نسخه قرن نهمی صورت گرفته و، در آن، چهارصد و بیست و چهار غزل آمده است. نسخه‌بدل‌های آن به طور کامل و بسیار دقیق ذکر شده‌اند. تصحیح پنجم نیساری با عنوان دیوان حافظ در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید که در آن، یک نسخه به پنجاه نسخه چاپ ۱۳۸۵ اضافه شده است. این تصحیح شامل چهارصد و هفتاد و چهار غزل، چهارده قصیده و دیگر اشعار حافظ است. در آن، نسخه‌بدل‌ها گزینشی است و فقط ضبط‌های پنج یا شش نسخه ذکر شده است.

مصحح، در این دو تصحیح، بدون استثنا از اصل نسخه‌های خطی یا فیلم و عکس آنها استفاده کرده است (← نیساری ۱۳۸۵، ص ۳۰ و ۱۳۸۷، ص ۱۹). معیارهای او در تصحیح دیوان اختیار ضبط اغلب نسخ؛ ضبط اقدم یا اهم نسخ؛ و توجه به سنخ اندیشه و سبک بیان حافظ بوده است. (← نیساری ۱۳۸۵، ص ۱۵ و ۱۳۸۷، ص ۱۲)

۱۸) سه تصحیح پیشین نیساری به شرح زیرند: غزل‌های حافظ (۱۳۵۳) شامل چهارصد و بیست و سه غزل، بر اساس چهار نسخه خطی (مورخ ۸۱۳، ۸۲۲، ۸۷۴، ۹۳۸) و چهار نسخه چاپی، بدون نسخه‌بدل؛ غزل‌های حافظ (۱۳۷۱)، بر اساس چهل و سه نسخه خطی قرن نهم (مورخ از ۸۰۷ تا ۸۹۸ و چند نسخه بی‌تاریخ)، نسخه‌بدل‌های هشتاد و شش غزل آن در کتابی جداگانه (۱۳۷۳) به چاپ رسیده است؛ سه دیوان حافظ (۱۳۷۷)، بر اساس چهل و هشت نسخه خطی قرن نهم (تاریخ نسخه‌ها مانند تصحیح ۱۳۷۱)، بدون نسخه‌بدل.

به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین معیارهای تصحیح اشعار حافظ، صرف نظر از ترتیب و اولویت آنها، همین سه معیار باشد. اما، با آنکه نیساری این معیارها را اختیار کرده و در تصحیح دقتی و سواس آمیز داشته و نسخه‌های متعدّد را مبنای کار خود قرار داده، از این جمله بهترین تصحیح دیوان حافظ به بار نیامده است. اساساً مهم‌ترین اشکال این دو تصحیح چه بسا همان تعدّد نسخ مبنای کار بوده است. استفاده از این همه نسخه برای تصحیح اشعار حافظ ضرورتی نداشته و حتی ضبط‌های نسخ متأخّر بعضاً گمراه‌کننده شده است. روش درست همان می‌نماید که خانلری اختیار کرده است. وی، سوای چهارده نسخه اساس، «نسخه‌های متعدّد دیگر، اعم از خطی و چاپی... در اختیار داشت که تاریخ کتابت آنها از سال‌های ۸۵۰ به بعد بود و چون، از این زمان، به تدریج غلط‌ها فراوان‌تر و شماره اشعار الحاقی بیشتر می‌شود، از مراجعه به آنها و نقل نسخه بدل چشم پوشید». (خانلری ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۳۷)۱۹

متأسفانه برخی صاحب‌نظران مرعوب و مسحور کثرت نسخ مبنای این تصحیح شده‌اند.<sup>۲۰</sup> اما باید توجه داشت که افزایش شمار نسخ مبنای تصحیح دیوان حافظ تا زمان معینی، حدّا کثرتا پنجاه سال پس از وفات حافظ، مفید است و پس از آن تاریخ افزودن هر نسخه به نسخ مبنای کار چه بسا ما را از سخن اصیل حافظ دور و دورتر سازد. نسخه‌هایی که گاه حدود صد سال پس از درگذشت حافظ کتابت شده‌اند نه تنها در تصحیح مشکل‌گشا نمی‌شوند مشکلاتی هم به بار می‌آورند.

یکی دیگر از اشکالات تصحیح‌های نیساری نوع خاص تقسیم‌بندی اشعار حافظ است. چنانکه یاد شد، چاپ ۱۳۸۵ او ناقص و تنها شامل چهارصد و بیست و چهار غزل است. در چاپ ۱۳۸۷ نیز، غزلیات به چهار دسته تقسیم شده است: بخش اصلی (چهارصد و بیست و چهار غزل)؛ پیوست غزل‌ها (پنجاه غزل)؛ ذیل بخش قصاید (ده

۱۹) نیساری بر آن است که «اگر، در آینده، فرضاً حدّا اقل سی نسخه کامل یا منتخب مربوط به نیمه اول قرن نهم شناسایی شد، شاید صواب آن باشد که همین مقدار به عنوان منابع درجه یک منظور گردد و از نسخه‌های مربوط به نیمه قرن نهم بر حکم ضرورت استفاده شود» (نیساری ۱۳۶۷، ص ۲۱۰). تأکید از من است. هم‌اکنون، در تصحیح او، از بیست نسخه نیمه اول قرن نهم استفاده شده است.

۲۰) برای نمونه ← پانوش ۹.

غزل. از چهارده قصیده که نیساری آورده، سایر مصححان فقط چهارتا را جزو قصاید آورده‌اند)، که جمعاً چهارصد و هشتاد و چهار غزل می‌شود. وی در این باره نوشته است: «در چاپ حاضر، اشعاری که با عنوان غزلواره‌ها از جرگه غزل‌های ناب حافظ تفکیک شده است بیش از آنکه به آمار درج آن اشعار در نسخه‌های خطی مربوط باشد به سبک انشاد و مضمون آن چکامه‌ها بستگی دارد و برخی از آنها را می‌توان در ردیف قصاید کوتاه یا تشبیب و تغزل متمایز دانست». (نیساری ۱۳۸۷، ص ۲۱؛ درباره تقسیم‌بندی اشعار حافظ نیز- نیساری ۱۳۶۷، ص ۲۰۵-۲۱۳)

اصولاً یکی از ویژگی‌های اشعار حافظ و تا حدی شاعران هم‌عصر او «آمیختگی قالب‌های شعری» است. در شعر حافظ مرز لرزان و نسبتاً نامشخص به خصوص غزل و قصیده کم‌رنگ‌تر شده است و معشوق و ممدوح در هم آمیخته‌اند، به گونه‌ای که گاه بهتر است برخی اشعار او را «غزل- قصیده» بخوانیم. متأسفانه نیساری برای تقسیم‌بندی خود ملاک و معیاری عینی و مشخص نداشته و تنها به شم زبانی و دریافت ادبی خود رجوع کرده است.<sup>۲۱</sup>

## ۲. مقایسه تصحیح‌ها

برای مقایسه تصحیح‌ها توجه به چهار مؤلفه آنها شایسته به نظر می‌رسد:

- شمار غزل‌ها در هر تصحیح؛ اشعار اصیلی که در آنها نیامده‌اند و اشعار مشکوکی که به آنها راه یافته‌اند؛

- شمار ابیات هر غزل، چه بیت‌هایی در آنها نیامده و چه بیت‌هایی اضافه دارند؛

- جایگاه ابیات در هر غزل؛

- اختلافات در ضبیط‌های متن اشعار. (نیساری ۱۳۶۷، ص ۲۱۰)

در بخش حاضر، ابتدا شمار غزل‌ها در تصحیح‌ها مقایسه سپس شمار ابیات و ضبیط‌های متن بررسی شده است. از پرداختن به جایگاه ابیات در هر غزل صرف نظر شد؛ زیرا جایگاه ابیات غزل‌ها در بیشتر تصحیح‌ها یا همسان است یا اختلاف چندان است که کار مقایسه را بسیار دشوار می‌سازد. اصولاً چنین می‌نماید که توالی منطقی

۲۱) پس از بررسی پیوست غزل‌ها، به نظرم رسید که معیارهای نیساری برای جداکردن برخی غزل‌ها یکی وزن کوتاه و گاه دوری و تند و رقص‌انگیز، دیگری ملمع بودن شعر یا جمع هر دو حالت بوده است.

ابیات در غزل‌های حافظ عموماً چندان ذی‌نقش نیست. ابیات، هرچند با حال و هوای واحد، استقلال معنایی دارند و بیت به لحاظ معنایی به بیت‌های پیش و پس خود وابسته نیست.

#### الف- مقایسه شمار غزل‌ها و ابیات

برای این کار، فهرستی تطبیقی از غزل‌های تصحیحات تهیه و مشخص شد که هر تصحیح کدام غزل یا بیت اصیل را ندارد و کدام غزل یا بیت مشکوک به آن راه یافته است. گاه جفت غزلی دیده می‌شود که در تصحیح‌ها وضع مشخصی ندارند و ابیات آنها به هم آمیخته شده است. در تصحیحی، هر دو مستقل از هم و جداگانه آمده‌اند و در تصحیحی در هم ادغام شده‌اند.

غزل‌های «ما پیش خاک پای تو صد رو نهاده‌ایم» و «عمری است تا به راه غمت رو نهاده‌ایم»، هر دو، در تصحیحات خانلری (۳۵۷ و ۳۵۸)، نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۳۷۴ و ۳۵۹)، و نیساری ۱۳۸۷ (۳۲۴ و ۴۵۲) آمده‌اند؛ اما در تصحیحات قزوینی (۳۶۵)، سایه (۳۵۵)، عیوضی ۱۳۸۵ (۳۵۷)، و جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۷۲ (۳۵۸)، فقط غزل دوم آمده است. در تصحیح نیساری ۱۳۸۵، فقط غزل اول (۳۲۴) آمده است.

غزل‌های «ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی» و «با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی»، هر دو، در تصحیحات قزوینی (۴۳۴ و ۴۳۵)، سایه (۴۲۳ و ۴۲۴)، عیوضی ۱۳۸۵ (۴۲۴) و ۴۲۵، و نیساری ۱۳۸۷ (۴۶۴ و ۳۸۱) آمده‌اند. در تصحیحات خانلری (۴۲۶)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۴۵۵) و ۱۳۷۲ (۴۵۳) و نیساری ۱۳۸۵ (۳۸۱) فقط غزل دوم آمده است.

دو غزل «خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست» (شش بیت) و «جهان بر ابروی عید از هلال و سمه کشید» (نه بیت) به احتمال قوی از حافظ نیست. اولی در خانلری (ح ۶)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و در قزوینی (۷۵)، سایه (۷۴)، جلالی نائینی و نورانی وصال (۴۸) آمده است. دومی در خانلری (ح ۲۰)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و در قزوینی (۲۳۸)، سایه (۲۳۲)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۱۳۸) آمده است.

### تصحیح قزوینی

شماره آخرین غزل در این تصحیح ۴۹۵ است، اما این تصحیح چهارصد و نود و سه غزل دارد؛ زیرا، در آن، به تأسی از نسخه ۸۲۷، یک قطعه و یک قصیده در غزلیات جای داده شده است: قطعه «خسرواگوی فلک در خم چوگان تو باد» به شماره ۱۰۸ و قصیده «جوزا سحر نهاد حمایل برابرم» به شماره ۳۲۹.

از این چهارصد و نود و سه غزل، ده غزل به احتمال قوی از حافظ نیست: غزل ۹۲: «میر من خوش می روی کاند سر و پا میرمت» (هفت بیت) که در خانلری (ح ۴)، سایه (ح ۳)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و فقط در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۹۵) آمده است.

غزل ۹۶: «درد ما را نیست درمان الغیث» (پنج بیت) که در خانلری (ح ۹)، سایه، عیوضی ۱۳۸۵، و نیساری ۱۳۸۷ نیامده و فقط در جلالی نائینی و نورانی وصال (۹۹) آمده است.

غزل ۹۷: «تویی که بر سر خوبان کشوری چون تاج» (هشت بیت) که در خانلری (ح ۱۰)، سایه (ح ۴)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و فقط در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۱۰۰) آمده است.

غزل ۹۸: «اگر به مذهب تو خون عاشق است مباح» (هشت بیت) که در خانلری (ح ۱۱)، سایه (ح ۵)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و فقط در جلالی نائینی و نوری وصال ۱۳۸۵ (۱۰۱) آمده است.

غزل ۱۸۱: «بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند» (هفت بیت) که در خانلری (ح ۱۶)، سایه (ح ۹)، عیوضی ۱۳۸۷، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ نیامده و فقط در نیساری ۱۳۸۷ (۴۳۷) آمده است.

غزل ۲۲۳: «هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود» (هفت بیت) که در خانلری (ح ۱۸)، سایه، عیوضی، نیساری ۱۳۸۷ نیامده و فقط در جلالی نائینی و نورانی وصال (۲۴۴) آمده است.

غزل ۲۶۱: «در آ که در دل خسته توان در آید باز» (شش بیت) که در خانلری (ح ۲۴)، سایه (ح ۱۱)، عیوضی ۱۳۸۵، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵، و نیساری ۱۳۸۷ نیامده است.

غزل ۲۹۵: «سحر به بوی گلستان همی شدم در باغ» (هفت بیت) که در خانلری (ح ۲۸)، سایه (ح ۱۲)، عیوضی ۱۳۸۵، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵، و نیساری ۱۳۸۷ نیامده است.

غزل ۳۰۸: «ای رُخت چون خلد و لعلت سلسبیل» (هشت بیت) که در خانلری (ح ۳۰)، سایه (ح ۱۳)، عیوضی ۱۳۸۵، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷ نیامده است.

غزل ۳۸۸: «بهار و گل طرب انگیز گشت و توبه شکن» (هفت بیت) که در خانلری (ح ۳۲)، سایه (ح ۱۶)، عیوضی ۱۳۸۵، نیساری ۱۳۸۷، و جلالی نائینی و نورانی وصال نیامده است.

در عوض، چهار غزل، که به احتمال قوی از حافظ‌اند، در این تصحیح نیامده است: «صبح دولت می‌دمد کو جام هم چون آفتاب» (شش بیت) که سایه (ح ۱) آن را مشکوک دانسته اما در سایر تصحیحات آمده است.

«ز دل برآمدم و کار بر نمی‌آید» (شش بیت) که در تصحیح سایه نیامده، اما در سایر تصحیحات آمده است.

«مژده ای دل که مسیحانفسی می‌آید» (نه بیت) که در همه تصحیحات آمده است.

«جانا تو را که گفت که احوال ما مپرس» (هشت بیت) که در همه تصحیحات آمده است.

مجموع: ده غزل (هفتاد بیت) اضافه دارد و چهار غزل (بیست و نه بیت) را ندارد.

#### تصحیح خانلری

شماره آخرین غزل در این تصحیح چهارصد و هشتاد و شش است؛ اما این تصحیح، به واقع، چهارصد و هشتاد و پنج غزل دارد؛ زیرا، در آن، قطعه «خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد» در غزلیات (غزل ۱۰۴) آمده است. در این تصحیح، غزلی نیست که بتوان آن را اضافه یا کسر شمرد.

#### تصحیح سایه

شماره آخرین غزل در این تصحیح ۴۸۴ است. در این تصحیح، سه غزل که در بیشتر تصحیحات مندرج است نیامده است:

غزل «صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب» (شش بیت) که در قزوینی نیامده اما در خانلری (۱۴)، عیوضی ۱۳۸۵ (۱۳)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۱۳)، و نیساری ۱۳۸۷ (۱۲) آمده است.

غزل «روزه یک سو شد و عید آمد و دل‌ها برخاست» (هشت بیت) که در قزوینی (۲۰)، خانلری (۲۵)، عیوضی ۱۳۸۵ (۲۶)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۶۰)، و نیساری ۱۳۸۷ (۴۲۷) آمده است.

غزل «زدل برآمدم و کار بر نمی‌آید» (شش بیت) که در خانلری ۱۳۸۵ (۲۳۴)، عیوضی ۱۳۸۵ (۲۳۲)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۱۸۴)، و نیساری ۱۳۸۷ (۲۱۳) آمده است. سایه، به پیروی از نسخه مورخ ۸۲۷، مانند قزوینی آن را با غزل «نفس برآمد و کار از تو بر نمی‌آید» یکی دانسته است.

مجموع: غزلی اضافه ندارد و سه غزل (بیست بیت) کسر دارد.

#### تصحیح عیوضی

در این تصحیح، شماره آخرین غزل ۴۸۵ است و غزلی نیست که بتوان آن را اضافه و کسر شمرد.

#### تصحیح جلالی نائینی و نورانی وصال

شماره آخرین غزل در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۵۰۳) و در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۷۲ (۵۰۰) است. اما، در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵، به واقع پانصد غزل آمده است؛ زیرا، در آن، غزل «راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست» دو بار، یک بار در شماره ۲۸ (به مطلع «بحری ست بحر عشق...») و یک بار در شماره ۵۷ آمده است. (در جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۷۲ فقط غزل ۲۸ آمده است)؛ همچنین دو قطعه در غزل‌ها جای داده شده است: قطعه «قوة شاعرة من سحر از فرط ملال» (به شماره ۹۶) به مطلع «همچو جان از بر من سرو خرامان میرفت» و قطعه «دادگرا تو را فلک جرعه کش پیاله باد» (به شماره ۱۵۰).

از این پانصد غزل، به احتمال قوی، سیزده غزل زیر از حافظ نیست:

غزل ۹۵: «میر من خوش می‌روی کاندر سر و پا میرمت» (هفت بیت) که فقط در قزوینی (۹۲) آمده است.

- غزل ۹۹: «درد ما را نیست در مان الغیث» (پنج بیت) که فقط در قزوینی (۹۶) آمده است.
- غزل ۱۰۰: «تویی که بر سر خوبان کشوری چون تاج» (هشت بیت). فقط در قزوینی (۹۷) آمده است.
- غزل ۱۰۱: «اگر به مذهب تو خون عاشق است مباح» (هشت بیت). فقط در قزوینی (۹۸) آمده است.
- غزل ۲۰۲: «صورت خوبت نگارا خوش به آیین بسته‌اند» (چهار بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- غزل ۲۰۷: «عشقت نه سرسری است که از دل به در شود» (هفت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است (← خانلری، ح ۱۹).
- غزل ۲۱۱: «کارم ز جور چرخ به سامان نمی‌رسد» (هشت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- غزل ۲۲۱: «گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود» (هفت بیت). در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- غزل ۲۴۴: «هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود» (یازده بیت) که فقط در قزوینی (۲۲۳) آمده است.
- غزل ۲۹۸: «من خرابم ز غم یار خراباتی خویش» (شش بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- غزل ۳۸۹: «ای شام ز کوی ما گذر کن» (هشت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- غزل ۴۲۴: «ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده» (یازده بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است (← خانلری، ح ۳۴).
- غزل ۴۴۵: «ای ز شرم عارضت گل غرق خوی» (دوازده بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.
- این تصحیح هیچ غزلی را کم ندارد.
- مجموع: سیزده غزل (صد و دو بیت) اضافه دارد بدون کسر.



### تصحیح‌های چهارم و پنجم نیساری

در نیساری ۱۳۸۷، غزل‌ها در سه بخش آمده‌اند: در بخش اصلی، چهارصد و بیست و چهار غزل؛ در پیوست غزل‌ها پنجاه غزل؛ ضمن قصاید، ده غزل؛ مجموعاً چهارصد و هشتاد و چهار غزل.

در نیساری ۱۳۸۵، فقط چهارصد و بیست و چهار غزل بخش اصلی آمده است. از پنجاه غزل مندرج در پیوست، سه غزل از حافظ نیست: غزل ۴۳۷ (هفت بیت)، ۴۵۰ (هفت بیت) و ۴۶۵ (هشت بیت). پس، در نیساری ۱۳۸۵، به واقع از پیوست‌ها چهل و هفت غزل (سیصد و هفتاد و شش بیت) نیامده است. ده غزلی هم که در نیساری ۱۳۸۷ در قصاید جای داده شده‌اند حاوی صد و هجده بیت‌اند (شمار ابیات بر اساس نیساری ۱۳۸۷). بنابراین، کسری‌های نیساری ۱۳۸۵، در مقایسه با نیساری ۱۳۸۷، چهارصد و نود و چهار بیت است. در چهارصد و بیست و چهار غزل اصلی نیز، که باید نخبه غزلیات حافظ باشند، دو غزل الحاقی وجود دارد:

غزل ۱۴۲: «در هر هوا که جز برق اندر طلب نباشد» (هفت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.

غزل ۲۲۷: «دلا چندم بریزی خون ز دیده شرم دار آخر» (هفت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیگر نیامده است.

در نیساری ۱۳۸۷، سه غزل الحاقی نیز در پیوست‌ها وارد شده است:

غزل ۴۳۷: «بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند» (هفت بیت) که فقط در قزوینی (۱۸۱) آمده است.

غزل ۴۵۰: «روز عید است و من امروز در آن تدبیرم» (هفت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌ها نیامده است.

غزل ۴۶۵: «اکنون که ز گل باز چمن شد چو بهشتی» (هشت بیت) که در هیچ‌یک از تصحیح‌ها نیامده است.

در عوض، در دو تصحیح چهارم و پنجم نیساری (۱۳۸۷ و ۱۳۸۵)، هفت غزل زیر، که در سایر تصحیحات آمده‌اند، نیامده است (شمار ابیات مطابق نیساری ۷۷ یا سایر تصحیح‌هاست). این موارد جزو کسری‌های نیساری ۸۵ نیز منظور گردید.

غزل «برو به کار خود ای واعظ، این چه فریاد است» (هفت بیت). که در قزوینی (۳۵)، خانلری (۳۶)، سایه (۳۴)، عیوضی ۱۳۸۵، (۳۲)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۲۹) آمده است. این غزل، در نیساری ۱۳۷۷ (ص ۶۱۶)، از سلمان ساوجی دانسته شده است.

غزل «دل من در هوای روی فرخ» (نه بیت) که در قزوینی (۹۹)، خانلری (۹۵)، سایه (۹۴)، عیوضی ۱۳۸۵ (۹۵)، جلالی نائینی و نورانی وصال (۱۰۲)، همچنین در نیساری ۱۳۷۷ (۴۲۹) آمده است.

غزل «جمالت آفتاب هر نظر باد» (هشت بیت) که در قزوینی (۱۰۴)، خانلری (۱۰۰)، سایه (۹۹)، عیوضی ۱۳۸۵ (۱۰۰)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۱۳۷) آمده است و در نیساری ۱۳۷۷ (ص ۶۱۷) از ناصر بجهای دانسته شده است.

غزل «بارم چو قدح به دست گیرد» (پنج بیت) که در قزوینی (۱۴۸)، خانلری (۱۴۴)، سایه (۱۴۲)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۲۵۰) همچنین در نیساری ۱۳۷۷ (۱۲) (با قید جزو اشعار مشکوک) آمده است.

غزل «عشق تو نهال حیرت آمد» (هفت بیت) که در قزوینی (۱۷۲)، خانلری (۱۶۸)، سایه (۱۶۶)، عیوضی ۱۳۸۵ (۱۶۷)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۲۰۶) همچنین در نیساری ۱۳۷۷ (۱۴) (با قید جزو اشعار مشکوک) آمده است.

غزل «گفتند خلاق که تویی یوسف ثانی» (هفت بیت) که در قزوینی (۴۷۵)، خانلری (۴۶۶)، سایه (۴۶۲)، عیوضی ۱۳۸۵ (۴۶۵)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۴۹۳) آمده و، در نیساری ۱۳۷۷ (ص ۶۱۸)، از روح عطّار دانسته شده است.

غزل «صبح است و زاله می چکد از ابر بهمنی» (شش بیت) که در قزوینی (۴۷۹)، خانلری (۴۷۰)، سایه (۴۶۶)، عیوضی ۱۳۸۵ (۴۶۲)، جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵ (۴۸۸) همچنین در نیساری ۱۳۷۷ (۳۱) (با قید جزو اشعار مشکوک) آمده است.

مجموع: نیساری ۱۳۸۵ دو غزل (چهارده بیت) اضافه دارد؛ پنجاه و هفت غزل (چهارصد و نود و چهار بیت) اصیل مندرج در نیساری ۱۳۸۷ همچنین هفت غزل (چهل و نه بیت)، که در بقیۀ تصحیح‌ها جز نیساری ۱۳۸۷ آمده کسر دارد.  
مجموع: نیساری ۱۳۸۷ پنج غزل (سی و شش بیت) اضافه و هفت غزل (چهل و نه بیت) کسر دارد.

جدول مقایسهٔ شمار غزل‌ها و ابیات در تصحیح‌ها

تصحیح‌ها	قزوینی	خانلری	سایه	عیوضی	نائینی و نورانی	نیساری	نیساری
				۱۳۸۵	وصال ۱۳۸۵	۱۳۸۵	۱۳۸۷
اضافه	۱۰ غزل ۷۰ بیت	—	—	—	۱۳ غزل ۱۰۲ بیت	۲ غزل ۱۴ بیت	۵ غزل ۳۶ بیت
کسری	۴ غزل ۲۹ بیت	—	۳ غزل ۲۰ بیت	—	—	۶۴ غزل ۵۴۳ بیت	۷ غزل ۴۹ بیت

ب) مقایسهٔ متن تصحیح‌ها

برای این مقایسه، چهل و نه غزل (حدود ۱۰ درصد غزلیات) حافظ در تصحیح‌ها مقابله و اختلافات آنها یادداشت شد. در این مقایسه روشی اختیار شد که دخالت ذوق و ذهنیت را به حداقل برساند:

- صورتی که در بیشتر تصحیح‌ها مشترک بود صحیح فرض شد؛
- هرگاه ضبط یک تصحیح با ضبط غالب تصحیح‌ها مغایر بود مردود قلمداد شد؛
- هرگاه در ضبط تصحیح‌ها تشبث وجود داشت یا شمار تصحیح‌های حاوی دو ضبط برابر بود، ناگزیر ترجیحی منظور نگردید.

برای مثال، غزل ۳۶۳ «دیدار شد میسر و بوس و کنار هم» را در نظر می‌گیریم. این غزل شانزده بیت دارد و در نیساری ۱۳۸۵ نیامده است. شش تصحیح مورد بررسی ما فقط در پنج بیت آن (به ترتیب ابیات ۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) اختلاف دارند (اختلاف‌ها ذیل هر بیت ذکر شده است):

۳ ما عیب کس به رندی و مستی نمی‌کنیم / لعل بتان خوش است و می خوش‌گوار هم  
 (قزوینی: مستی و رندی)

۱۳ گوی زمین ربودهٔ چوگانِ عدلِ اوست / وین برکشیده گنبد نیلی‌حصار هم  
 (عیوضی ۱۳۸۵: توست؛ نیساری ۱۳۸۷: قبه)

- ۱۴ عزم سبکِ عنانِ تو در جنبش آورد این پایدار مرکزِ عالی‌مدار هم  
(سایه، نیساری ۱۳۸۷: سبک‌عنانش به جنبش درآورد)
- ۱۵ تا از نتیجهٔ فلک و طور دور اوست تبدیل ماه و سال و خزان و بهار هم  
(سایه؛ جلالی نائینی و نورانی وصال ۱۳۸۵؛ نیساری ۱۳۸۷: سال و ماه)
- ۱۶ خالی مباد جمع جلالش ز سروران وز ساقیانِ سروقِدِ گل‌عذار هم  
(جلالی نائینی و نورانی وصال: بزم تو از جمع سروران)

با توجه به نتایج مقایسه و ملاک‌های یادشده، در بیت ۳، ضبط «رندی و مستی»، در بیت ۱۳ ضبط «اوست» و «گنبد»، و در بیت ۱۶، «جمع جلالش ز سروران» اکثریت قریب به اتفاق دارند؛

در بیت ۱۴، «سبک‌عنان تو در جنبش آورد» ضبط غالب است؛

در بیت ۱۵، هر دو ضبط «ماه و سال و سال و ماه» برابرند؛

## منابع

### الف - تصحیحات

- خرم‌شاهی و جاوید، دیوان حافظ، قرائت‌گزینی انتقادی، به اهتمام هاشم جاوید و بهاء‌الدین خرم‌شاهی، فرزانه روز، تهران ۱۳۷۸.
- دیوان حافظ، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، دو جلد، چاپ سوم، خوارزمی، تهران ۱۳۷۵.
- دیوان خواجه حافظ شیرازی (عکس و تصویر عین متن و تذهیب نسخهٔ خطی بسیار نفیس و مشهور مورخ ۸۲۷ خلخال)، به کوشش شمس‌الدین خلخال، مهرآیین، تهران ۱۳۶۹.
- دیوان حافظ، به تصحیح سایه، چاپ هفتم، کارنامه، تهران ۱۳۷۸.
- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (۴)، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی (مقدمه، مقابله و کشف‌الابیات: رحیم ذوالنور)، چاپ دوم، زوار، تهران ۱۳۷۴.
- دیوان حافظ، به تصحیح رشید عیوضی، دو جلد، صدوق، تهران ۱۳۷۶.
- دیوان حافظ، به تصحیح رشید عیوضی، ویرایش دوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۵.
- دیوان حافظ، به تصحیح محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال، علمی، تهران ۱۳۷۲.
- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، به تصحیح محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال، پنجره، تهران ۱۳۸۵.
- دیوان حافظ، (بر اساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم)، به تصحیح سلیم نیساری، چاپ دوم، سخن، تهران ۱۳۸۷.

دیوان حافظ، به تصحیح سلیم نیساری، سینانگار، تهران ۱۳۷۷.  
نیساری، سلیم، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ، به اهتمام سلیم نیساری، دو جلد، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۵.

#### ب - سایر منابع

- خرم‌شاهی (۱)، بهاء‌الدین، حافظ‌نامه (شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی، و ابیات دشوار حافظ)، چاپ ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳.  
— (۲)، ذهن و زبان حافظ، چاپ ششم، ناهید، تهران ۱۳۷۹.  
— (۳)، فرصت سبز حیات، نشر قطره، تهران ۱۳۷۹.  
ریاحی، محمّدامین، گل‌گشت در شعر و اندیشه حافظ، چاپ دوم، علمی، تهران ۱۳۷۴.  
زریاب خویی، عباس، آینه جام، چاپ دوم، علمی، تهران ۱۳۷۴.  
محبوب، محمّدجعفر، «دربارۀ حافظ به سعی سایه (بهانه‌ای برای مرور سه چاپ معتبر دیوان خواجه حافظ در پنجاه سال اخیر)»، کلک، ش ۶۰، ص ۲۵۲-۳۱۰.  
موحد، ضیاء، «کدام نسخه، کدام شعر، کدام شاعر»، ادب‌نامه شرق (ضمیمه رایگان فرهنگ و ادب - ۴، ویژه حافظ) [ضمیمه روزنامه شرق]، آبان ۱۳۸۴، ص ۲ و ۳.  
[ناتل] خانلری، پرویز، «چند نکته درباره انتقاد بر تصحیح دیوان حافظ»، مندرج در مقالات فرزانه، به اهتمام احمد اداره‌چی گیلانی، آبان، تهران ۱۳۵۶.  
نجفی، ابوالحسن، «حافظ: نسخه نهایی»، نشر دانش، س ۲، ش ۱، تهران ۱۳۶۰، ص ۳۰-۳۹.  
نیساری، سلیم، مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ، بی‌نا، تهران ۱۳۶۷.  
—، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ، سروش، تهران ۱۳۷۳.

□